

انتصاب علی لاریجانی به سمت دبیر شورای عالی امنیت ملی گرچه با تأخیر یک ساله نسبت به تغییر دولت همراه بود، اما در بزنگاه مهمی اتفاق افتاده است: همزمان با پایان جنگ تحمیلی دوازده روزه و تهدیدهای علی‌الدوام ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، هنگامی که تغییرات به خصوص در ابعاد امنیتی و سیاست کلان، آسان و بدواً مطلوب نیست، این تغییر حاکی از اقتضای قابل‌اعتنا از یکسو و انتظار اساسی از عملکرد ایشان از سوی دیگر است. سابقه دو ساله در دبیرخانه شعام، سوابق امنیتی و مدیریت در بالاترین سطوح حاکمیتی، به ایجاد انتظار عملکرد قابل توجه و حتی اصلاح آنچه در سوابق دبیرخانه و حتی گذشته مدیریتش شخص ایشان سراغ داریم دامن زده است. واقعیت این است که دوران قبلی دبیرخانه، با احتساب تمام محسّنات و ویژگی‌های فردی، دوران پررنگی در تاریخ این دبیرخانه محسوب نمی‌شد و رویکرد حاکم، سپری کردن دورانی بدون اشعار بیرونی دیده می‌شد. این سبک، که طبعاً متفاوت از شیوه مدیریت دکتر لاریجانی است، هم نقاط قوتی در خود داشت و هم نقاط ضعف قابل توجه؛ گرچه نوع تشمیت امور بدون اشعار و اظهار بیرونی معتنا به، به سبکی که دبیرخانه در دوساله قبلی تجربه کرد، اصطکاک نسبی کمتری با دستگاه‌هایی نظیر وزارت امور خارجه دارد ولی در عین حال نمی‌تواند نقش موتور محرک سیاست خارجی را نیز ایفا کند. در عین حال فعالیت باز کمتر دبیرخانه، ممکن است موجب خارج شدن بخشی از اختیارات و ابتکار عمل‌های شورای عالی امنیت ملی از این دستگاه شود. دبیرخانه شورای عالی، سنتا محل به نتیجه رسیدن چندوجهی سیاست‌های کلی امنیتی و سیاسی کشور بوده است و همچنین علی‌رغم اینکه شرح وظایفی که در نص صریح ماده... قانون اساسی برای این شورا آمده در خصوص سیاست خارجی صراحت ندارد، به طور سنتی، نقش شورای عالی امنیت ملی و به خصوص دبیرخانه و دبیر آن در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و نیز به پیش بردن چند وجهی کار بی‌رقیب بوده است. دیرزمانی پرونده هسته‌ای که مهم‌ترین کلان موضوع سیاست خارجی کشور بود، نه در وزارت امور خارجه که در دبیرخانه دنبال می‌شد و لاقط از سال پایانی دولت دوازدهم، دبیرخانه مجدداً در این پرونده نقش قابل اعتنایی یافت. گرچه به طور کلاسیک، باید برای اهالی سیاست خارجی حفظ موضوعات سیاست خارجی در وزارت متبوع اولویت داشته باشد، اما بنابر اقتضائات، اختیارات و مشخصات فردی، ممکن است در برهه‌هایی عکس این قاعده صادق باشد. مدعی نوشته حاضر، مبتنی بر انتقال پرونده مذاکرات با غرب (هر دو مسیر مذاکره با ایالات متحده و نیز مذاکره با سه کشور اروپایی) به دبیرخانه نیست، اما اظهار اینکه وزارت خارجه صرفاً روند مکانیکی مذاکرات را دنبال می‌کند هم برای موضع مذاکره کننده به هیچ روی سازنده نیست. آنچه جناب لاریجانی در نقش آفرینی پیرامون موضوعات اساسی امنیت و سیاست خارجی ممکن است انجام دهند نباید به واسطه فعالیت قابل اعتنا، وزارت امور خارجه را از حیز انتفاع خارج کرده و حتی به حاشیه ببرد. صحیح است که فعالیت راهگشایی و به خصوص ابتکار عمل در سیاست خارجی وزارت امور خارجه در طرح ریزی و سیاست‌سازی در یک سال گذشته با انتظاری که می‌رفت تفاوت چشمگیری داشته است، اما هم آفرایی غیرشعاری این دو نهاد، برای تحرک موثر در سیاست خارجی ضروری است. اما این موضوع، چه بسا سهل‌منتع و از سرفصل‌هایی است که همگان در اظهار آن اشتراک رای دارند ولی طراحی واقعی آن به هیچ روی بدیهی نیست. اینکه سیاستگذار چه کنشی باشد و مجری چه سهم واقعی در این سیاستگذاری داشته باشد که شان و موقعیت مذاکراتی‌اش زیر سوال نرود محل سوال جدی است.

از سوی دیگر، با تغییر پیش گفته و لحاظ کردن شرایط پیش آمده در کشور، ضرورت در انداختن طرحی نو در سیاست خارجی و به خصوص موضوع هسته‌ای و امنیتی پیش رو، عریان می‌نماید. به بیان دیگر اولاً مذاکره، چندان اهمیتی نسبت به طرح مذاکره ندارد. مذاکره بدون طرح، افق دید و اختیار، چه بسا بتواند به نوعی تشریفات و ترتیبات شکلی صرف تقلیل یافته و تنها به کار دفع الوقت بیاید. از آنجا که زمان به هیچ روی به سود ایران نیست، ایران راهبرد مناسبی برای برگزیدن نخواهد بود. طرح مذاکراتی و راه حل برون رفت از شرایط کنونی به طوری که تا حد ممکن هم ممکن و هم مطلوب باشد، دشوارترین بخش کار است. چرا که ایجاد تصمیم و اجماع در داخل و در لایه‌های مختلف ساختارهای امنیتی به طوری که لاقط مخالفت فاحش، موثر و مشروعی وجود نداشته باشد) برای یک راه حل تا حد ممکن ممکن، مطلوب و پیش رونده راه را برای مذاکره کننده باز خواهد کرد. نکته دوم اینکه: حتی در صورت باقی مانده اجرای مذاکرات در وزارت امور خارجه الزامی وجود ندارد که تیم مذاکره کننده متشکل از شورای معاونین و مدیران کل وزارت امور خارجه باشد. مذاکره‌کنندگان در مقام اجرا، باید از میان برجسته‌ترین‌ها در کشور انتخاب شوند. کشور در حال حاضر در شرایطی نیست که نظامات سنتی انتخاب و انتصاب افراد و اعمال تکرر به منظور اجماع آفرینی پاسخگوی کیفیت مقتضی مذاکره باشد. شهامت سیاسی، امروز در انتخاب و مطرح کردن افرادی است که ممکن است گزینه‌های پهنه‌ای در شرایط عادی سیاست و ناظر به دینامیک‌های توان افزا در سیاست داخلی نباشند و الزام‌گروه، تفکر و حتی شخص شاخصی را نمایندگی نکنند ولی کارآمدی لازم را برای پیشبرد آنچه طرحی شده است داشته باشند. ایضاً در خصوص تیم معاونین و مشاورین دبیرخانه و همچنین جلسات و شوراهای فرعی تصمیم‌سازی، باید از اتخاذ رویکردهای تکراری و سنتی پرهیز شده، چابکی و خلاقیت لازم و وجود آفرین را با اعتماد دست اول به جوانان و چهره‌های جدید متخصص و کیفی پدید آورد. از سوی دیگر، شایسته است دبیر جدید شورا، با اتکا به سوابق قابل اعتنای خود در مدیریت کلان، از چیدن ترکیب‌هایی تکراری، کند، قدیمی و به خصوص بازتولید کننده روایت‌های رسمی تکراری که می‌تواند نتایج هر جلسه را به حاشیه برده و به غایت کم‌اثر نمایند، پرهیز کند.

رابطه مستقیم بحران انرژی با افزایش فقر



مشکلات کشور به صورت دومینووار در کنار هم قرار گرفته‌اند

کشور در شرایط مرزی قرار گرفته است

آرمان ملی - احسان انصاری: بسیاری از اقتصاد دانان در ماه‌های پایانی سال گذشته نسبت به تشدید بحران‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۴ هشدار می‌دادند. این در حالی است که در سال جاری کشور از یکسوی جنگ نظامی مواجه شد و از سوی دیگر بحران انرژی به شکل بسیار جدی خود را نشان داد. در چنین شرایطی بحران‌های مختلف به صورت همزمان در کشور شکل گرفته است. امروز کشور در شرایط نه جنگ و نه صلح قرار گرفته و از سوی دیگر وضعیت معیشتی مردم با چالش‌های جدی مواجه است و اگر بحران انرژی ادامه پیدا کند این وضعیت تشدید نیز خواهد شد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این وضعیت با دکتر مرتضی افقه استاد دانشگاه و اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. افقه در این زمینه معتقد است: «تاکنون درآمد نفتی در کشور وجود داشته که به واسطه آن ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌ها جبران می‌شده اما امروز شرایط تغییر کرده است. به همین دلیل نیز بحران‌ها به صورت همزمان سر باز

❖ **در حالی که کشور با بحران اقتصادی مواجه بود در سال جاری با بحران جدی انرژی و آب نیز مواجه شده است. بحران انرژی و آب چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی کشور خواهد گذاشت؟**

من انتظار چنین وضعیتی را داشتم و اگر چنین اتفاقی رخ نمی‌داد شاید تعجب می‌کردم. بحران‌ها تأثیرات متقابل بر هم دارند و هم بحران اقتصادی بر بحران انرژی تأثیرگذار است و هم حالت عکس آن وجود دارد. البته آنچه در این زمینه حائز اهمیت است درک سیاست‌گذار از این بحران‌ها و راهکارهایی است که ارائه می‌دهد. وضعیت کنونی به خوبی نشان می‌دهد که ما در سه دهه پس از جنگ حکمرانی خوبی در این زمینه نداشته‌ایم که با چنین وضعیتی مواجه شده‌ایم. من معتقدم ریشه اصلی بحران‌های کنونی کشور عدم استفاده از عقل و اندیشه است. متأسفانه نظام انتصابات در همه رده‌ها مبتنی بر شایسته سالاری توسعه و رفع مشکلات نبوده است. واقعیت این است که معیار انتخاب نیروی انسانی در همه رده‌ها شایستگی‌های ایدئولوژیک و سیاسی است که در این پروسه بهترین افراد برای اینکه کشور را در مسیر توسعه قرار بدهند انتخاب نمی‌شوند. به همین دلیل ما خود را از ذخائر عقل و اندیشه نیروی انسانی محروم کرده و به همین دلیل نتوانسته‌ایم از قابلیت‌ها و منابع عظیم کشور استفاده کنیم. برخی از نیروها به دلیل برخی تنگ‌نظری‌ها از کشور مهاجرت کرده‌اند و کسانی که در کشور حضور دارند نیز در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و کلان حضور ندارند. در پروسه تأیید صلاحیت‌ها بسیاری از نخبگان کشور رد صلاحیت می‌شود که نتیجه آن مجالس ضعیفی بوده که در دهه‌های گذشته شکل گرفته و نتیجه آن تصمیمات هیجانی و غیرتخصصی بوده است.

❖ **چرا این بحران‌ها به یک باره و به صورت همزمان در شرایط کنونی سر باز کرده است؟**

تاکنون درآمد نفتی در کشور وجود داشته که به واسطه آن ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌ها جبران می‌شده اما امروز شرایط تغییر کرده است. به همین دلیل نیز بحران‌ها به صورت همزمان سر باز کرده است. البته این وضعیت از قبل نیز قابل پیش‌بینی بوده و کارشناسان هشدارهای لازم را داده بودند اما کسی توجه نکرده است. ما باید برای حل مشکلات کشور از نخبگان و کارشناسان استفاده می‌کردیم که در عمل چنین اتفاقی رخ نداده و خود را از نگاه تخصصی محروم کرده‌ایم. از سوی دیگر پول نفت نیز باعث فریب ما شد و اجازه‌ند که زودتر مشکلات را درک و آن را حل کنیم. در واقع پس از سال ۹۷ که تحریم‌ها علیه ایران فعال شدند ناکارآمدی دهه‌های گذشته بیشتر بروز و ظهور کرد که دلیل اصلی آن نیز کاهش درآمد نفتی بود. در شرایط کنونی بحران انرژی ضربه مهلکی به تولید کشور وارد کرده است. نبود آب و کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین کمبود آب می‌تواند بر سلامت و بهره‌وری نیروی انسانی تأثیر بگذارد. این مشکلات نیز به صورت زنجیره‌ای و دومینو وار باعث تخریت بخش‌های دیگر خواهند شد. در وضعیت کنونی ما در سراسیعی تشدید تحریم‌ها و تشدید متقابل بحران‌ها بر یکدیگر قرار گرفته‌ایم. بحران انرژی باعث تشدید



کرده است. البته این وضعیت از قبل نیز قابل پیش‌بینی بوده و کارشناسان هشدارهای لازم را داده بودند اما کسی توجه نکرده است. ما باید برای حل مشکلات کشور از نخبگان و کارشناسان استفاده می‌کردیم که در عمل چنین اتفاقی رخ نداده و خود را از نگاه تخصصی محروم کرده‌ایم. از سوی دیگر پول نفت نیز باعث فریب ما شد و اجازه نداد که زودتر مشکلات را درک و آن را حل کنیم. در واقع پس از سال ۹۷ که تحریم‌ها علیه ایران فعال شدند ناکارآمدی دهه‌های گذشته بیشتر بروز و ظهور کرد که دلیل اصلی آن نیز کاهش درآمد نفتی بود. در شرایط کنونی بحران انرژی ضربه مهلکی به تولید کشور وارد کرده است. نبود آب صنعت و کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین کمبود آب می‌تواند بر سلامت و بهره‌وری نیروی انسانی تأثیر بگذارد. این مشکلات نیز به صورت زنجیره‌ای و دومینو وار باعث تخریت بخش‌های دیگر خواهند شد.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

گسترده‌ای صورت گرفت و امروز تهران و حومه آن به شکل غیرقابل‌مهارى گسترش یافته است. این وضعیت نیز حاصل بی‌تدبیری سوء مدیریت بود. این وضعیت درباره انتقال آب طالقان و یا هر جای دیگری به تهران وجود دارد. این در حالی است که به جای این طرح‌ها باید مصرف در مدیریت کرد.

❖ **تداوم بحران انرژی در کشور چه پیامدهای اقتصادی به همراه خواهد داشت و آیا برای احتمال تداوم بلندمدت این بحران برنامه‌ریزی شده است؟**

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد در بلندمدت ما با بحران انرژی مواجه خواهیم بود. این در حالی است که تاکنون نیز بحران انرژی به بخش‌های مختلف اقتصادی آسیب‌های جدی وارد کرده است. به صورت طبیعی زندگی‌های امروز متناسب به پیشرفت‌های تکنولوژیک همراه است. شاید اگر ما ۱۰۰ سال پیش زندگی می‌کردیم تا به این اندازه تولید ما به انرژی وابسته نبود. این در حالی است که در شرایط کنونی که تولید کشور به انرژی وابستگی دارد بحران انرژی باعث کاهش تولید نیز خواهد شد. این وضعیت نیز با خود پیامدهای اقتصادی و اجتماعی را به همراه خواهد داشت که یکی از مهم‌ترین آن افزایش فقر در جامعه است. بحران انرژی نه تنها در بلندمدت و بلکه در میان‌مدت تأثیرهای منفی خود را بر وضعیت معیشت مردم شاخص‌های اقتصادی گذاشته است. در شرایط کنونی ما باید به دنبال این باشیم که بان بحران حداقل آسیب‌ها را به بخش تولید ما وارد کند. در علم اقتصاد هنگامی که تولیدکننده در منطقه سود قرار گرفته تلاش می‌کند سود خود را به حداکثر برساند و نه اینکه تنده سود ببرد. با این وجود در برخی مقاطع یک تولیدکننده ممکن است در شرایط ضرر و زیان قرار بگیرد، اما می‌داند که ممکن است این شرایط متغیر خواهد بود و ممکن است در آینده دوباره به منطقه سود باز گردد. هنگامی که تولیدکننده در منطقه زیان قرار گرفته باید تلاش کند زیان خود را به حداقل برساند. واقعیت این است که در شرایط کنونی کشور به صورت کلی در منطقه زیان قرار دارد و به همین دلیل باید به دنبال این باشیم که چگونه می‌توانیم این زیان را به حداقل برسانیم.

❖ **با توجه به شرایط موجود شما چه چشم‌انداز اقتصادی پیش روی کشور می‌بینید؟**

امروز ما در شرایط مرزی قرار گرفته‌ایم. در چنین شرایطی کشور نه تنها آمادگی و توان تحمل تنش را ندارد و بلکه دیگر تحمل تداوم تحریم‌ها را هم ندارد. من در سال گذشته بارها در مصاحبه‌های خود عنوان کردم که اگر حتی کشور وارد جنگ هم نشود در سال ۱۴۰۴ اقتصاد ایران به خصوص از نیمه دوم سال به بن‌بست خواهد رسید. در چنین شرایطی ما وارد یک جنگ هم شدیم و خسارت‌های زیادی داشت و در شرایط کنونی نیز در وضعیت نه جنگ و نه صلح هستیم که خود این وضعیت ضربات زیادی به بخش تولید و سرمایه‌گذاری زده است. در شرایط کنونی هیچ راهی جز این وجود ندارد که در مرحله نخست با فعال کردن دیپلماسی خطر جنگ را از کشور برداریم و در مرحله دوم تلاش کنیم تحریم‌ها را از کشور بدهیم و در نهایت از بین ببریم.

جدید در کشور ایجاد شود. این تنش‌ها و تلاطم‌ها، همگرایی و آرامش مردم را تضعیف می‌کند. این فعال سیاسی افزود: ایجاد آرامش فقط در مسائل معیشتی و اقتصادی مردم نیست، بلکه باید تلاش شود تا آرامش در همه شئون زندگی مردم حاصل شود یعنی خدمات عمومی از سوی دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی باید به گونه‌ای ارائه شود که آرامش مردم را تأمین کند.

شبه حاصل نمی‌شود. در کشور باید همه مثل اعضای یک خانواده با هم همدل باشند. وی ادامه داد: مجریان و مسئولان کشور با ایجاد آرامش در جامعه می‌توانند انسجام ملی و همدلی را در کشور حفظ کنند. هرچه قدر آرامش بیشتری برای مردم ایجاد کنیم، انسجام هم بیشتر حفظ خواهد شد.

مردم شاید باگاری بسازند، ولی تلاطم

را نمی‌پذیرند. نباید هر روز یک تنش

بایجاد آرامش در کشور، انسجام ملی حفظ خواهد شد

در واقع با ارائه چنین خدماتی باید همدلی مردم را بدست آورد. البته ممکن است مسئولان قادر نباشند که برخی خواسته‌های مردم را در زمان کوتاهی تأمین کنند که در این شرایط باید از مردم زمان بخواهند تا آن مشکلات را رفع کنند، ولی اگر خواسته‌ای امکان تحقق ندارد باید مردم را توجیه کرد. ما به دلربایی نیاز داریم. دلربایی از جامعه یک هنر و حتی یک مرتبه بالاتر از مردم‌داری است.

نیکول پاشینیان نخست وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در اظهاراتی تازه اعلام کردند که پس از توافق صلح با میانجیگری ایالات متحده، به دنبال کاهش نگرانی‌های روسیه و ایران هستند. در همین راستا، نخست‌وزیر ارمنستان و رئیس‌جمهور آذربایجان، در مصاحبه‌های اختصاصی با شبکه آمریکایی «فاکس نیوز» در روز چهارشنبه، ضمن تشکر از «میانجی‌گری» «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، تأکید کردند که «این توافق که نوید افزایش ادغام اقتصادی منطقه‌ای و همکاری سیاسی را می‌دهد، هیچ طرف ثالثی را هدف قرار نمی‌دهد و در واقع ممکن است مزایای راهبردی را برای مسکو و تهران فراهم کند.» پاشینیان گفت: «این یک بازی با حاصل جمع صفر نیست. این توافق» شامل مزایای کاملاً ملموسی برای ایران و همچنین برای روسیه است.» ایران از طریق راه‌آهن از خلیج فارس به دریای سیاه دسترسی خواهد داشت و روسیه و ایران فرصت خواهند داشت تا بین ۲ کشور ارتباط راه‌آهن برقرار کنند. با وجود اظهارات پاشینیان، روسیه، متحد دیرینه ارمنستان و از طریق مرزبان خود در منطقه حضور دارد از صلح استقبال کرد اما در مورد دخالت ایالات متحده هشدار داد. وزارت امور خارجه این کشور این توافق را «مثبت» توصیف کرد و برای ثبات در قفقاز ابراز امیدواری کرد، اما هشدار داد که دخالت خارجی باید مکمل روند صلح باشد، نه اینکه آن را پیچیده کند. شبکه آمریکایی به نقل از وزارت خارجه روسیه افزود: «این وزارتخانه تأکید کرد که راه‌حل‌های منطقه‌ای باید شامل همسایگانی مانند روسیه، ایران و ترکیه باشد و نسبت به تکرار اشتباهات مداخلات به‌رهبری غرب در خاورمیانه هشدار داد.» اما علی‌اف با تکرار اظهارات پاشینیان، «از اینکه دخالت دیپلماتیک ایالات متحده را تحریکی علیه مسکو بداند، خودداری کرد.» او به فاکس نیوز دیجیتال گفت: «برای هر کشوری چه دور و چه در منطقه ما بسیار دشوار خواهد بود که در مورد توافق هر حرف بدی بزند. ما گام نهایی را به سوی صلح برداشته‌ایم. این توافق علیه هیچ‌کس نیست. این یک پروژه اتصال است که یکی از مهم‌ترین بخش‌های حمل و نقل در الملی خواهد بود.» «با وجود اظهارات علی‌اف، شبکه آمریکایی درباره توافق سه‌جانبه بین ارمنستان، آمریکا و جمهوری آذربایجان نوشت: «در قلب این پیمان، مسیر برنامه‌ریزی‌شده ترامپ برای صلح و رفاه ملی قرار دارد که یک مسیر ترازنی تقریباً ۲۷ مایلی است که سرزمین اصلی آذربایجان را به منطقه نخجوان متصل می‌کند و از خاک ارمنستان عبور می‌کند. این استان از طریق اجازه ۹۹ ساله، حقوق توسعه انحصاری را به ایالات متحده اعطا کرده که امکان پروژه‌های زیرساختی مانند جاده‌ها، خطوط ریلی، خطوط لوله، فیبر نوری و احتمالاً انتقال برق را فراهم می‌کند و هدف آن باز کردن مسیرهای جدید تجاری و ترانزیتی در منطقه است.» فاکس نیوزا دعا کرد: «این اقدام جسورانه، پویایی منطقه‌ای را تغییر می‌دهد و به واشنگتن جای پای استراتژیک قدرتمندی می‌دهد و در عین حال مسیرهای سنتی روسیه و ایران را دور می‌زند.» از طرفی، به اذعان فاکس نیوز، «پاشینیان در داخل کشورش با مخالفت روبه‌روست. ملی‌گرایان ارمنستانی که از قبل منتقدان سرسخت هرگونه توافقی با آذربایجان بودند، این توافق را خیانت می‌دانند. حزب جمهوری‌خواه ارمنستان اعلام کرده است که پاشینیان صلاحیت امضای چنین عهدنامه‌ای را ندارد و خواستار شفافیت کامل و پایان دادن به امتیازاتی است که تحت فشار خارجی داده می‌شود.» بااین حال، پاشینیان مصمم است. او به شبکه آمریکایی گفت که این توافق می‌تواند فضای سرمایه‌گذاری ارمنستان را متحول کند و سرمایه خارجی را جذب کند. او به فاکس نیوز گفت: «ما انتظار داریم که با برخی انتقادات مواجه شویم و این بخشی از دموکراسی است. اما ما مطمئن هستیم که تصمیم درستی گرفته‌ایم.» شبکه آمریکایی در ادامه با اشاره به روابط «تغییر یافته» بین مسکو و باکو نوشت: «روابط با آذربایجان به ویژه پس از سرنگونی پرواز ۸۲۴۲ هواپیمایی آذربایجان در دسامبر ۲۰۲۴ روه به وخامت گذاشت. علی‌اف مسکو را متهم کرد که در جریان عملیات علیه پهپاد‌های اوکراینی، به طور تصادفی با بدافند هوایی روسیه به جت مسافری شلیک کرده و ۲۸ نفر را کشته است.» در همین راستا، علی‌اف به فاکس نیوز گفت که معتقد نیست این حادثه یک حمله عمدی از سوی رهبری روسیه بوده باشد، اما خواستار پذیرش رسمی گناه، مجازات مسئولان و جبران کامل غرامت شد.